

خطاب سماحة القائد السيد علي الخامنئي [حفظه الله]

محافظة أنزليجان الشرقية، شمال غرب إيران | 2008.02.17

... شهداء العالم الإسلامي العظام وهذا الشهيد العزيز الذي نال مرتبة الشهادة على يد الصهاينة قبل أيام، كانوا يفخرون بكونهم أبناءً للإمام، وكانوا يعتبرون أنفسهم أبناءً للإمام.

هذا الشهيد، الحاج عماد، كان يعتبر نفسه ابناً للإمام الخميني. يعني في الحقيقة: إذا قُمنّا بمقارنة بينه وبين الشاب الإيراني، هو لم يعتقد بأن الشاب الإيراني يتقرب من الإمام أكثر منه. هو يقرب نفسه من الإمام بقدر الشاب الإيراني. لماذا؟ لأن الإمام أعطى له الروح، الإمام أعطى له الحياة. شباب كهذا النوع موجودون دائماً في لبنان، في فلسطين، وفي غزة وفي كل المناطق.

من كان يعتقد بأن الشباب اللبنانيين الذين لم يملكوا أسلحة متطورة أن يهزموا الجيش الذي يدعي أنه من أقوى الجيوش في العالم؟! ... واندحروا بفضيحة! في الأيام الأولى بعد حرب تموز، قالوا الصهاينة « لا نحن لم نهزم!»

الآن، هذا هو تقرير لجنة فينوغراند قد كشف الستار عن الحقيقة. ولكن واضح جداً، إن الجيش مجهز وأمريكا شاركت مباشرة في الحرب. إعلموا في حرب الثلاثة والثلاثين يوماً (حرب تموز)، أمريكا تدخلت مباشرة، دعمت، وشاركت مباشرة بشكل خفي. كلهم فشلوا من عدة شباب الذين كانت وسيلتهم الإعتماد على النفس، والإتكال على الله، وعدم الخوف من الموت، الصمود في الميدان: هزموا العدو. هكذا هزموا أسطورة الجيش الذي لا يقهر.

النص الفارسي:

00:41:38 - 00:44:11

«همین شهدای برجسته‌ی دنیای اسلام، همین شهید عزیزی که چند روز قبل به وسیله‌ی صهیونیستها به شهادت رسید، اینها افتخار میکردند که بچه‌های امامند؛ خودشان را فرزند امام میدانستند. این شهید حاج عماد خودش را فرزند امام میدانست. یعنی واقعاً اگر با یک جوان خودمان مقایسه کنیم، او معتقد نبود که این جوان ایرانی به امام از او نزدیکتر است. او هم خودش را به قدر یک جوان ایرانی فرزند امام و نزدیک به امام میدانست؛ چرا؟ چون امام به او روح داده بود؛ امام او را زنده کرده بود. اینجور جوانها همیشه در لبنان و در فلسطین و در غزه و در همه جا بودند، اما اینجور کارهای بزرگ از اینها سر نمیزد. کی فکر میکرد جوانهای لبنانی با سلاحهای معمولی بتوانند ارتشی را که ادعا میکند یکی از بزرگترین ارتشهای دنیاست، آنجور با افتضاح عقب بزنند. روزهای اوّلی که جنگ سی و سه روزه تمام شده بود، صهیونیستها میگفتند نه، ما شکست نخوریم(!) حالا گزارش این کمیته‌ی ونیوگراذ قضايا را برملا کرده. اینها ظاهرسازی کردند که خیلی آبروریزی هم نشود؛ اما کاملاً پیداست؛ یک ارتش مجهز، امریکا هم مستقیماً وارد شد - این را بدانید امریکا در جنگ سی و سه روزه‌ی لبنان مستقیم وارد شد؛ هم پشتیبانی کرد، هم مستقیم وارد شد، بی سروصدا - اما همه‌شان شکست خوردند. از کی؟ از یک عده جوان که وسیله‌شان عبارت بود از اعتماد به نفس، اتکال به خدا و نترسیدن از مرگ، ایستادگی در میدان؛ توانستند شکست بدهند. افسانه‌ی شکست ناپذیری قدرتها اینجوری باطل میشود.»